| تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۱/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۱ |

نظریه شبکه مسائل؛ گام اول مدل تحول در علوم انسانی از منظر روش‌شناسی

ایمان کاظمی مقدم

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ایران، مشهد

ikazemi62@gmail.com

چکیده

«نظریه شبکه مسائل» یکی از سه ضلع مثلث تحول در علوم انسانی از منظر روش‌شناسی است. این نظریه، در کنار نظریه فحص جامع و نظریه اجتهاد سیستمی، اضلاع تحول (مدل تحول) در علوم انسانی از منظر روش‌شناسی را تشکیل می‌دهد. این مدل، بیانگر چگونگی تحول در علوم انسانی برای حرکت از علوم انسانی سکولار به سمت علوم انسانی اسلامی از منظر روش‌شناسی است. هدف از نظریه شبکه مسائل، برداشتن گام اول از مدل تحول در علوم انسانی و زمینه‌سازی برای تولید علم دینی در موضوعات و مسائل علوم به‌ویژه علوم انسانی است. این نظریه، به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه می‌توان یک موضوع را تجزیه مفهومی کرد و شبکه گسترده‌ای از متغیرها و مسائل مرتبط با آن موضوع را به دست آورد. اهمیت و کاربرد این نظریه به‌صورت ویژه در حوزه علوم انسانی، تولید شبکه مسائل علوم انسانی در شاخه‌ها و رشته‌های مختلف علوم انسانی است. این نظریه، در پارادایم شبکه‌ای، با راهبرد تحلیل مفهومی، با رویکرد فلسفی و با ابزارهای چهارده‌گانه تحلیلی، به توصیف، تبیین و توجیه قدم به قدم مراحل تولید شبکه متغیرها و مسائل در موضوعات مختلف می‌پردازد.

کلیدواژگان: شبکه مسائل، دانش دینی، علم دینی، علوم انسانی اسلامی، روش‌شناسی، تمدن‌سازی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

مقدمه

علوم انسـانی در میان علوم دیگر، بیشـترین تأثیر را در تمدن‌سـازی دارند؛ چراکه علوم انسـانی به نیازهای روحی، نگرشـی و رفتاری انسـان در مقیاس روابط فردی (خرد) و جمعی (کلان) پاسـخ می‌دهنـد. نیازهای روحی، نگرشـی و رفتـاری انسـان، از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نیازهای انسـان سـالم به شـمار می‌آیند و پاسـخ به آنها، مهم‌ترین ابعاد وجودی انسـان را تنظیم می‌کند. از طرفی تمدن‌سـازی، فرایند پاسخ به هرم نیازهای انسـان در تمام لایه‌ها توسط مکاتب فکری است. از این منظـر، علوم انسـانی خصلت تمدنی می‌یابنـد؛ چراکه به مهم‌ترین نیازهای انسـان در لایه روحی، نگرشی و رفتاری پاسخ می‌دهند. همچنین هر مکتبی که موفق به تولید علوم انسانی شود، تمدن‌ساز خواهد بود. از این منظر علوم انسـانی اسـلامی، مبنای نظری تمدن‌سـازی‌اند و بیشترین تأثیر را در تمدن‌سازی دارند.

البته بر اسـاس تفاوتـی که در افق فکری ایـن مکاتب وجود دارد، علوم انسـانیِ حاصل از این مکاتـب نیز با یکدیگر تفاوت می‌یابند. تولید علوم انسـانی با وصف اسـلامی، لازمه تحقق تمدن اسـلامی اسـت. تمدن اسـلامی در صورتی می‌تواند تحقق یابد که بتواند به نیازها و مسائل خرد و کلان زندگی انسـان پاسـخ دهد و این منوط بدان است که علوم انسانی در پاسخ به نیازهای زندگی و از منظر دین تولید شـود. از این منظر، تولید علوم انسـانی اسلامی، آرزوی مقدس همه مهندسان تمدن توحیدی است تا بر اساس این علوم، چرخه تولید جریان نیاز و پاسخ به آنها را مدیریت کنند و زمینه رشد معرفتی، روحی و رفتاری او را در راستای منظومه توحیدی دین برآوردند.

اهمیت تولید علوم انسـانی اسـلامی، در ایجاد سبک زندگی دینی در مقیاس فردی و اجتماعی اسـت؛ چراکه ایجاد جامعه‌ای با پسـوند دینی، زمانی امکان‌پذیر است که نیازها و مسائل زندگی بر اسـاس دین پاسخ داده شـود. این نیازها اعم از نیازهای اعتقادی، اخلاقی و عملی است. همچنین ایـن نیازهـا اعم از نیازهای فردی و جمعی، مادی و اخروی، خرد و کلان، حال و آینده و... اسـت. پاسـخ به نیازهای زندگی و سـاختن زندگی بر اساس نظر دین در مقیاس خرد و کلان، نیازمند تولید علم بر اسـاس نظر دین اسـت. به ایـن علم، علم دینی گفته می‌شـود. تولید علم دینی، زمینه‌سـاز شکل‌گیری عمل دینی توسط افراد در جامعه است. علم دینی، نیاز مؤمنین و البته همه انسان‌ها برای زندگی بر اساس نظر خدا را پاسخ می‌دهد. اگر سطح عمل بر اساس علم دینی گسترش یابد و تمام شـئون جامعه را دربرگیرد، آن‌گاه جامعه دینی شـکل گرفته است. شـئون جامعه دینی، اعم از افراد، خانواده‌ها، سازمان‌ها و نهادها، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. بنابراین بحث علم دینی، به سبب گره خوردن با تشکیل جامعه دینی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

مقصود از علوم انسـانی اسلامی، همان علم دینی در موضوعات و مسائل علوم انسانی است و مقصود از علوم انسـانی، علومی هسـتند که به فهم، توصیف و تبیین رفتارهای[1] انسان در حیطه‌های فـردی، جمعـی،[2] تاریخـی، تمدنی[3] و ماورایـی می‌پردازند و این پـردازش در لایه‌هـای رفتارهای تفکری، احساسـی، گفتاری، و کارکردی گسترده شده و دامنه آن از حداقل‌های لازم تا حداکثرهای مطلوب نوسان یافته است[4] (اعم از اینکه روش فهم، توصیف و تبیین در این علوم، مشاهده و تجربه باشد یا استنتاج و برهان) (واسطی، ۱۳۹۲).

۱. بیان مسئله

آنچه در بین تحقیقات علوم انسانی مشهود است، گرایش یافتن حجم عظیمی از تحقیقات به بحث درباره مبانی علوم انسـانی، چیسـتی و چرایی این علوم و نپرداختن به مدل عملیاتی و کاربردی آن اسـت. پرداختن به مبانی گرچه ارزشـمند و لازم اسـت، اما توقف تحقیقات در این حد، خود یک آسـیب علمی به شمار می‌آید؛ چراکه در نهایت منجر به تولید علوم انسانی اسلامی نمی‌شود. حال از این زاویه، آنچه نیاز به تولید شبکه مسائل علوم انسانی و اهمیت آن را رقم می‌زند، عملیاتی کردن مسـیر تولید علوم انسانی اسلامی اسـت که گام اول از این مدل عملیاتی، تولید شبکه مسائل علوم انسانی است (کاظمی مقدم، ۱۳۹۲، ص۲۶).

۱. کلمه «رفتار» در این تعریف به معنای عام آن به‌کار رفته اسـت؛ یعنی هر گونه فعالیتی که از انسـان سرمی‌زند، اعم از فکر کردن، محبت ورزیدن، سـخن‌گفتن یا قرارداد بسـتن. مقصود از کارکردهای انسان، محصولات حاصل از این کارکردها نیستند، بلکه معادلات موجود در خودِ کارکردهاست.

۲. در مقیاس‌های خانواده، شهر، کشور، بین‌الملل.

۳. در دو محور ناظر به گذشته و ناظر به آینده.

۴. بررسـی رفتارهـای تفکـری = منطق، معرفت‌شناسـی و تاریخ فلسـفه (اما خود فلسـفه، فعالیت ذهنـی برای فهم معادلات وجودی است)؛
بررسی رفتارهای گفتاری = زبان و ادبیات؛
بررسی رفتارهای تاریخی وتمدنی = باستان‌شناسی، تاریخ و تمدن، آینده‌پژوهی؛
بررسی رفتارهای فردی احساسی و کارکردی = روان‌شناسی؛
بررسی رفتارهای جمعی کارکردی = جامعه‌شناسی؛
بررسی رفتارهای جمعی مدیریتی= مدیریت؛
بررسی رفتارهای فردی و جمعی مالی و اقتصادی = اقتصاد و حسابداری؛
بررسی رفتارهای جمعی در مقیاس حداقل‌های لازم = حقوق؛
بررسی رفتارهای جمعی در مقیاس حرکت به‌سمت حداکثرهای مطلوب = اخلاق و فرهنگ؛
بررسی رفتارهای مدیریتی جمعی در سطح کلان = علوم سیاسی، روابط بین‌الملل؛
بررسی رفتارها در حیطه ماورائی = الهیات و عرفان.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

تولید علم بر اســاس روش تحقیق (روش تولید علم) صورت می‌گیرد. روش تحقیق، عملیاتی حداقل سه‌مرحله‌ای است که عبارت است از:

۱. مسئله‌شناسی: شناسایی مسئله‌ای مشخص به صورت صادق، دارای اهمیت و کاربرد؛

۲. اطلاعات‌شناسی: جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مسئله از منابع؛

۳. تحلیل اطلاعات: تحلیل اطلاعات مرتبط با مســئله و رســیدن به حل مســئله (واســطی، ۱۳۹۴، ص۶۴).

عملیات یادشــده گاه برای یک مســئله و حل آن انجام می‌شــود که حاصل آن تولید یک یا چند گزاره علمی اســت و گاه برای حل شبکه‌ای از مسائل (مســائل فراوان) انجام می‌شود که حاصل آن تولید شــبکه‌ای از گزاره‌هاست. اگر در پاســخ به شبکه‌ای از مسائل، شبکه‌ای از گزاره‌ها تولید شود، در این صورت دانش و علمی جدید شــکل می‌گیرد. اگر حل مسائل و تولید شبکه‌ای از گزاره‌ها، از منظر دین و با روش تحقیقی مبتنی بر منابع دینی انجام شــود، دانش و علم دینی تولید خواهد شــد و اگر این علم (شــبکه گزاره‌ها) در پاســخ به مسائل علوم انســانی تولید شود، علوم انسانی اسلامی تولید خواهند شد.

بر اســاس این توضیح، منطق موجه تحقیق اقتضــا می‌کند که تولید علم و دانش دینی جدید در هر موضوعی به‌ویژه موضوعات علوم انسانی، روند ذیل را بپیماید:

۱. مسئله‌شناسی: تولید «شبکه‌ای از مسائل» در موضوع موردنظر؛

۲. اطلاعات‌شناسی: جمع‌آوری «شبکه‌ای از اطلاعات» مرتبط با شبکه مسائل از منابع؛

۳. تحلیل اطلاعات: «تحلیل موجه و روشمند» شبکه‌ای از اطلاعات مرتبط با شبکه مسائل.

نتیجه و خروجی منطق فوق، تولید «شبکه‌ای از گزاره‌ها» در موضوع موردنظر است. در هر یک از سه مرحله یادشده، نظریه‌ای متناظر با همان مرحله وجود دارد که باید تئوریزه شود:

۱. در قسمت مسئله‌شناسی: نظریه شبکه مسائل جهت تولید شبکه‌ای از مسائل درباره موضوع مورد نظر؛

۲. در قسمت اطلاعات‌شناسی: نظریه فحص جامع از اطلاعات جهت گردآوری شبکه‌ای از اطلاعات مرتبط با مسائل از منابع دینی؛

۳. در قســمت تحلیــل اطلاعات: نظریه اجتهاد سیســتمی برای تولید شــبکه‌ای از گزاره‌های علمی در پاسخ به شبکه مسائل با روش معتبر دینی.

چنیــن به نظر می‌رســد کــه در صورت تئوریزه کردن هر یک از ســه نظریه یادشــده، می‌توان در گام‌های بعد، مدل معرفتی و عملیاتی تولید علم دینی را تئوریزه کرد که در این صورت با پیاده‌سازی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

و تطبیـق آن بـر موضوعـات مختلف می‌توان علم و دانـش دینی تولید کرد. اگـر همین عملیات در موضوعات علوم انسـانی طی شود، علوم انسانی اسلامی تولید خواهند شد. منظور از علوم انسانی اسلامی، همان علوم دینی در موضوعات و مسائل علوم انسانی است.[1]

بر اسـاس توضیحات پیش‌گفته و اقتضای منطقی تحقیق موجه، تولید شبکه مسائل، گام اول از مدل عملیاتی تولید علم دینی اسـت. تحقیق پیش‌رو با نظر به عملیاتی کردن مدل تولید علم دینی، درصدد تئوریزه کردن گام اول از آن با عنوان «نظریه شبکه مسائل» است. این نظریه، فرایند معرفتی و عملیاتی تولید شبکه مسائل در موضوعات مختلف را نشان می‌دهد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که روش تولید شبکه مسائل چگونه است.

ضرورت توجه به نظریه شـبکه مسـائل، در خودآگاه کردن و روشـمند شـدن تولید علمی دینی اسـت و هدف از آن، زمینه‌سـازی برای تحول در علم دینی در موضوعات و مسـائل علوم انسانی و حرکت به سمت علوم انسانی اسلامی است. در پژوهش‌های بعدی به تئوریزه کردن دو نظریه دیگر نیز خواهیم پرداخت تا اینکه چرخه تولید علم دینی را تکمیل نماییم. امید است که پژوهش حاضر به تولید مدل عملیاتی علم دینی کمک کند و گامی در مسیر تولید علم دینی باشد.

۲. روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف، جزو تحقیقات بنیادین (مبنایی) نظری، به لحاظ راهبرد، جزو تحقیقات توصیفـی و تحلیلـی و به لحـاظ راهکار، جزو تحقیقات ترکیبی و سیسـتمی اسـت. این تحقیق در دسـتگاه فکـری (پارادایم) فلسـفی، با روش کتابخانـه‌ای در تعریف و توصیـف مفاهیم، با نگرش سیستمی در رویکرد، با روش تحلیل مفهومی در لایه‌برداری از مفاهیم، با روش تحلیلی- علّی در توجیه و تبیین فرضیه‌ها و با روش الگوریتمی در توصیف فرایندها انجام شده است. گفتنی است که این تحقیق، هویت روش‌شناسانه دارد.

۳. پیشینه تحقیق

با جست‌وجوی روشمند در منابع کتابخانه‌ای (کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها) و اینترنتی، غیر از دو مورد ذیل، هیچ‌گونه سابقه‌ای برای موضوع شبکه مسائل که در قالبی علمی منتشر شده باشد، یافت نشد:

۱. تأکید فراوان نگارنده مقاله بر علوم انسـانی، به سـبب اهمیت بالای این دسته از علوم در فرایند تمدن‌سازی است؛ وگرنه موضوع مقاله (نظریه شـبکه مسـائل) به تمامی موضوعات و علوم بشری مرتبط می‌شود و می‌توان بر اساس این نظریه، در تمامی موضوعات و علوم، شبکه مسائل طراحی کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

الف) دوره آموزشـی «مهندسی شبکه مسائل فرهنگی»، برگزارشده توسط جلیل معماریانی در مؤسسه کتاب‌پردازان[1] که مشتمل بر این سرفصل‌هاست: ۱. نگاه خطی و شبکه‌ای و تفاوت آنها، ۲. روش شبکه‌سـازی مسائل، ۳. مهندسی شبکه مسائل، ۴. روش ترسیم نقشه‌های ذهنی، ۵. نگرش سیستمی، ۶. تفکر همگرا و واگرا، ۷. شبکه مسائل شبکه مسائل؛

ب) «دکترین جامع»، ارائه‌شده توسط حسن عباسی در سایت اندیشکده یقین.[2]

گفتنـی اسـت کـه در دکترین جامـع، تنها بـه یکـی از ابزارهای لایه‌بـرداری و مسئله‌شناسـی (چیسـتی، چرایی و چگونگی) اشاره شده، درحالی‌که در این تحقیق چهارده ابزار برای لایه‌برداری و مسئله‌شناسـی معرفی شـده اسـت. در نظریه شبکه مسائل شبکه مسـائل در دوره مهندسی شبکه مسـائل فرهنگی نیز گرچه به برخی ابزارها برای لایه‌برداری و مسئله‌شناسـی اشـاره شده است، اما مجموعه ابزارها به صورت کامل تبیین نشده‌اند؛ ضمن اینکه ابزارها از دسته‌بندی و نظام مشخصی برخوردار نیسـتند؛ درحالی‌که در تحقیـق حاضر مجموعه ابزارهای لایه‌برداری و مسئله‌شناسـی با نظام مشخصی تبیین شده‌اند.

گفتنی اسـت که در برخی پژوهش‌ها، به مفهوم نظام موضوعات اشـاره شـده اسـت؛ از جمله مقاله‌ای با عنوان «مهندسـی فرهنگی و نظام موضوعـات فرهنگی» از محمدرضا خاکی قراملکی، منتشـر شده در سایت حوزه[3] که با نگرشی نظام‌مند، به دسـته‌بندی حوزه‌ها و ابعاد مختلف فرهنگ پرداخته اسـت. همچنین پژوهشی با عنوان نظام موضوعات و اولویت‌های پژوهشی در علم حقوق که مربوط به کارگروه مطالعات فقهی و حقوقی مؤسسـهٔ اشراق[4] است، فهرست موضوعات حقوقی جهت پژوهش را به پژوهشگران معرفی کرده است؛ اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، روشی مدون و نظام‌مند برای تولید شـبکه مسائل در یک موضوع معرفی نشده است. ضمن اینکه اساساً به شبکه مسائل پرداخته نشده، بلکه به شبکه موضوعات توجه شده است.

ربن‌یا س‌اسا، ی‌اهی‌گژیو رصحنم‌ه‌بدرفن‌یا ق‌یقحتن‌یدبدنرارق:

الف) معرفی چهارده ابزار به عنوان ابزارهای لایه‌برداری از موضوعات و تبدیل آنها به شبکه مسائل؛

ب) ارائه مدل راهبردی (معرفتی) تولید شبکه مسائل در موضوعات مختلف؛

1. http://ketabpardazan.com
2. http://andishkadeh.ir
3. http://www.hawzah.net
4. http://iranian-law.blog.ir/category

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

ج) ارائه مدل عملیاتی تولید شبکه مسائل در موضوعات مختلف؛
د) استفاده از مدل شبکه مسائل برای تولید علم و دانش دینی.

۴. مفاهیم و اصطلاحات

۴-۱. متغیر

عوامـل تأثیرگـذار و تأثیرپذیر در موضوعات را که موجب تغییر در کارکردهای آنها می‌شـود، متغیر می‌نامیـم. بـه عبارت دیگـر آنچه قابلیت تغییر دادن یـا تغییرپذیری دارد و با تغییـر آن، تغییراتی در وضعیـت موضـوع مورد نظر به وجـود خواهد آمد، متغیـر می‌نامیم. باید دقت کرد کـه آنچه تغییر می‌کنـد آثـار و ظهورات اشیاسـت، نه جوهره و حقیقـت آنها. بر اثـر تغییر آثار و ظهورات اشـیا، کارکردهای آنها نیز تغییر می‌کند و به حالت دیگری منتقل می‌شوند. این آثار و ظهورات، همان ابعاد و جوانـب وجـودی یک پدیده یا ابعاد و جوانب مفهومی یک موضوع هسـتند. این ابعاد و جوانب، همان متغیرهای اشـیا هسـتند که برای کشف آنها، باید به مشاهده پدیده‌ها و موضوعات پرداخت و آنها را از زوایای مختلف و متنوع بررسی کرد. از هر زاویه که به موضوعات و پدیده‌ها بنگریم، بعدی از ابعاد یا متغیری از متغیرهای آنها را می‌توان کشف کرد. هنر اصلی مشاهده و زوایای نگاه، کشف متغیرها و نفوذ به لایه‌های درونی آنهاست (واسطی، ۱۳۹۴، ص۹۰).

در اهمیت زوایای نگاه همین مقدار کفایت می‌کند که موضوعات و پدیده‌ها، بر اساس زوایای نگاهی که در انسان‌ها فعال هستند، واقعیت خود را به آنها نشان می‌دهند. واقعیت اشیا دارای ابعاد و جوانب مختلفی است و همگی این ابعاد در بروز واقعیت اشیا مؤثرند. زمانی می‌توان گفت واقعیت اشیا را ادراک کرده‌ایم که بتوانیم تمامی جوانب و ابعاد آنها را مشاهده کنیم. ابعاد مختلف یک پدیده زمانی خود را نشـان می‌دهند که زاویه نگاهی متناسـب با همان پدیده در وجود مشاهده‌کننده فعال شـود؛ در غیراین‌صورت آن بُعد پدیده از نگاه مشـاهده‌گر مخفی خواهد ماند. اشـیا دارای ابعاد و جوانب بی‌شـماری هسـتند و به همین دلیل متغیرها و زوایای نگاه بی‌شماری می‌تواند وجود داشته باشـد. هر کدام از این زوایای نگاه، بعدی از ابعاد پدیده را روشـن می‌کند و مجموعه زوایای نگاه، مجموعه ابعاد اشیا را نشان می‌دهند. بنابراین راهبرد اصلی در متغیرشناسی، مشاهده اشیا بر اساس زوایای نگاه اسـت. البته این مشاهده، باید به گونه‌ای باشد که به سمت جامعیت میل کند، نه اینکه یک مشاهده عادی و خام باشد.

بنابرایـن متغیرهـا، لایه‌هـای درونـی، بیرونی و ارتباطی اشـیا هسـتند که به برکت فعال شـدن زوایای نگاه در انسـان کشـف می‌شـوند. کشـف متغیرها سـبب می‌شـود تا به درون اشـیا نفوذ و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

اجزای تشـکیل‌دهنده آنها را شناسـایی کنیم. کشـف متغیرها موجب شفاف‌سازی محدوده معنایی موضوعات و اشـیا می‌شـود و ارتباط آنها را با دیگر موضوعات و اشـیا مشـخص می‌کند. در واقع عملیات متغیرشناسی موجب کشف میدان معنایی موضوعات گردیده، دایره معنایی و مفهومی آنها را مشخص می‌کند.[1]

بنابراین هر مقدار که عملیات متغیرشناسـی بیشـتر انجام شـود و لایه‌ها و محدوده معنایی آنها بیشـتر کشف شود، از شفافیت بیشـتری برخوردار خواهند شد. برای حداکثرسازی کشف متغیرها، نیازمند حداکثرسازی زوایای نگاه و فعال‌سازی آنها هستیم.

فعال‌کردن زوایای نگاه به اشیا ← کشف متغیرهای اشیا (جوانب، ابعاد و آثار) ← رفع نیاز و حل مسئله

۲-۴. مسئله

مسـئله یا پرسـش اصلی عبارت است از پرسشـی که جهت‌گیری و زاویه نگاه اصلی محقق را برای

۱. مقصود از «میدان معنایی»، کشـف ارتباط معنایی و مفهومی یک واژه با سـایر واژه‌ها در یک نظام زبانی اسـت که دارای یک منظومه معرفتی اسـت. الفاظ بر اسـاس تشابه معنایی و مفهومی‌ای که با یکدیگر در یک نظام زبانی دارند، با یکدیگر ارتباط معنایی می‌یابند و در محدوده و شعاع معنایی یکدیگر قرار می‌گیرند و بر همین اساس در جملات با یکدیگر هم‌نشین می‌شوند یا به جای یکدیگر به کار می‌روند و یا از حیث معنایی توسعه می‌یابند و یا تضییق می‌شوند. بـه تعبیر دیگر الفاظ بر اسـاس تشـابه معنایی و مفهومی که با یکدیگر در یک نظام زبانـی دارند، اصطلاحاً در میدان معنایی یکدیگر قرار می‌گیرند و بر اسـاس همین میدان معنایی، دارای معنایی نسبی می‌شوند. البته این معنای نسبی، تابع معنای اصلی یک کلمه است و به هیچ عنوان از مرز معنایی یک واژه خارج نمی‌شود، اما به سبب قرار گرفتن در میـدان معنایی کلمات دیگر، دارای معنـای جدیدی می‌گردد که با معنای اصلی خود کلمه تفاوت دارد. از نتایج مهم ترسـیم میدان‌های معنایی، آشکار شـدن پیوند معنایی عمیق یک واژه با سایر واژه‌های مرتبط با آن است. این پیوندها سبب شده تا این واژه کاملاً تحت تأثیر کلمات مجاور و نظام معنایی مستقر در آن قرار گیرد. فهم نظریه میدان معنایی، متوقف بر فهم بحث معناشناسی در زبان‌شناسی است.
با ترسیم شبکه معنایی یک واژه، به وسیله تحلیل ارتباط معنایی برخی واژه‌هایی که با آن واژه در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرنـد، می‌توان به تبیین جایگاه معنایی آن واژه در یک منظومه معرفتی مثل قرآن پرداخت و از این طریق، توسـعه و تضییق معنایی آن واژه را در آن منظومه معرفتی به دسـت آورد و معنای نسـبی آن واژه را کشـف کرد. کشـف معنای نسبی بر اساس دو محور جانشینی و هم‌نشینی به دست می‌آید. روابط هم‌نشینی یکی از نشانه‌های زبانی است که به ترکیب کلمات در جمله یا کلام مربوط می‌باشد و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار می‌گیرند، کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. توجه به واحدهای هم‌نشین موضوع موردنظر، معنای آن را برای مخاطب بهتر تبیین می‌کند؛ به‌ویژه در مواردی که کلمه بیش از یک معنا دارد و یا معنای آن نامشخص و مبهم است. فرایند جانشینی این است که یک نشانه زبانی به جای نشـانه زبانی دیگر به حسـب تشابه به کار رود. برای مثال واژگانی که در شبکه معنایی دعا قرار دارند بر محور جانشینی عبارت‌اند از: طلب، سؤال، ندا، استغاثه، ابتهال، عبادت و بر محور هم‌نشینی عبارت‌اند از: اجابت، اخلاص، تضرع، حمد. همچنین از میان کلماتی که ارتباط معنایی با دعا دارند، به واژگان اسـتغفار و تسـبیح پرداخته شده است (ابوترابیان، مستانه، و پرچم، اعظم، ۱۳۹۱، ص۵۴).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

حرکت از وضعیت موجود (بروز مشـکل) به سمت وضعیت مطلوب (حل مشکل) نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بر اساس زاویه نگاه محقق در حل مشکل، باید به چه پرسشی پاسخ دهیم تا مشکل حل شود؟

مسئله همان پرسش اصلی است که حاکی از یک مشکل و نیاز است و برای رفع مشکل و نیاز پرسـیده می‌شـود و دارای زاویه نگاه خاصی در همین راستاست. مسـئله با نگاه ساختاری (اجزای تشکیل‌دهنده آن) یک پرسش است که از نهاد و گزاره و یک نسبت پرسشی تشکیل می‌شود. مسئله با نگاه روش‌شناسانه، یک مشکل است که با فرآوری مشخصی تبدیل به مسئله می‌شود.

۴-۳. شبکه

«شـبکه» مجموعه‌ای از عناصر اسـت که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف واحـد در تلاش‌انـد. در هر شـبکه، تغییـر یک جزء بر دیگر اجـزا و بر کل تأثیـر دارد و هیچ‌یک از عناصر، اثر مستقل و جدا از مجموعه ندارند (واسطی، ۱۳۹۱، ص۴۶).

۴-۴. شبکه موضوعات و متغیرها

شـبکه موضوعات و متغیرها عبارت اسـت از نقشه‌ای منظم از موضوعات مرتبط با موضوع اصلی که بررسی رابطه اثرگذاری و اثرپذیری آنها بر موضوع اصلی، سبب دستیابی به هدف تحقیق می‌شود.

۴-۵. موضوع‌شناسی

موضوع‌شناسـی[1] عبارت اسـت از تحلیل مفهومی یک موضوع برای دسـتیابی به شـبکه متغیرها و مسائل یک موضوع.

۴-۶. علم دینی

علم دینی، علمی است که از گزاره‌های دین (آیات و روایات) با روش تحقیق موجه (روش اجتهادی) به دست آمده باشد.

۱. تولید شبکه متغیرها و شبکه پرسش‌ها، اصطلاحاً «موضوع‌شناسی» نامیده می‌شود که به‌ویژه در پژوهش‌های فقهی و برای درک موضوعات مستحدثه و نوپدید بسیار کاربرد دارد. در واقع کشف میدان معنایی موضوع، خروجی فرایندی است که موضوع‌شناسی نامیده می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

علم دینی دانشی است که با بهره‌گیری از مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، دین‌شناختی، ارزش‌شناختی و روش‌شناختیِ اسلامی به هستی‌شناسی، رابطه‌شناسی و کارکردشناسیِ پدیده‌های ریاضی، طبیعی، زیستی، انسانی، به هدف درک رابطهٔ «ملکی- ملکوتی» پدیده‌ها می‌پردازد (خسروپناه، ۱۳۹۲، ص۳۶).

علم دینی عبارت است از نظر ابرازشده خداوند به بشر درباره موضوعات و مسائل هستی در قالب وحی (واسطی، ۱۳۹۲).

«علم دینی»، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایاست که محمولات آنها، از دین گرفته شده است؛ یعنی در قضیه «هر الف ب است»، باید محمول که «ب» است از دین گرفته شود. قسمت «الف»، که موضوعات و مسائل انسانی در آن قرار می‌گیرد، مربوط به استقرای نقشه موضوعات و مسائل زندگی بشر است (حریری، ۱۳۹۴، ص۱۴).

۴-۷. ابزارهای متغیرشناسی

۱. مقولات عشر، ۲. علل اربعه، ۳. معادله حرکت، ۴. فرمول تغییر، ۵. تعریف لغوی، ۶. پارادایم‌ها، ۷. نقشه علوم انسانی، ۸. نقشه ابواب فقه، ۹. نقشه نیازها، ۱۰. لایه‌های فرهنگ، ۱۱. مراحل طراحی سیستم، ۱۲. عناصر مدیریت، ۱۳. مراحل برنامه‌ریزی، ۱۴. مراحل آینده‌پژوهی[۱] (کاظمی مقدم، ۱۳۹۲، ص۲۹-۳۳).

۴-۸. شبکه مسائل

شبکه مسائل، مجموعه مسائلی است که از تحلیل ابعاد و روابط مختلف یک موضوع به دست می‌آید که با پاسخ‌گویی به آنها می‌توان دید حداکثری به موضوع پیدا کرد (واسطی، ۱۳۹۲).

تعریف شبکه مسائل بر اساس تحلیل مفهومی با علل اربعه بدین صورت خواهد بود:

علت مادی: ترکیبی از موضوع، نیاز به شفاف‌سازی موضوع و طرح مسائل گسترده پیرامون موضوع، نیاز به تولید علم جدید درباره موضوع؛

علت صوری: ترکیبی از شبکه متغیرهای موضوع و شبکه مسائل موضوع؛

علت فاعلی: ترکیب (تحلیل) موضوع با ابزارهای چهارده‌گانه برای دستیابی به شبکه

۱. خوانندگان محترم جهت اطلاع بیشتر از تعریف ابزارهای چهارده‌گانه و نحوه کارکرد آنها در لایه‌برداری از مفاهیم و تولید سؤال، می‌توانند به «درسنامه نظریه شبکه مسائل» و مقاله «طراحی مدل راهبردی و راهکاری شبکه مسائل علوم انسانی» از همین نگارنده مراجعه کنند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

متغیرهای موضوع؛ ترکیب (تحلیل) شـبکه متغیرهای موضوع با ابزارهای چهارده‌گانه برای دستیابی به شبکه مسائل موضوع.

علت غایی: زمینه‌سازی برای تولید علم و علم دینی (طی شدن گام اول از تولید دانش و علم دینی). بر اســاس تحلیل فوق، تعریف شـبکه مسائل عبارت اســت از: «شبکه گسترده‌ای از متغیرها که با ابزارهای سؤال‌پردازی تبدیل به شبکه گسترده‌ای از سؤالات شده‌اند و زمینه‌ساز تولید علم و دانش دینی در موضوع مورد نظر می‌باشند» (کاظمی مقدم، ۱۳۹۵، ص۱۲).

۵. مبانی و پیش‌فرض‌ها

۵-۱. مبنای هستی‌شناختی

الف) هر آنچه مخلوق است، محدود است؛

ب) هر آنچه محدود است، مرکب است؛ مرکب از اصل وجود و خصوصیات متمایزکننده از بقیه موجودات؛

ج) هر چه محدودیت یک مخلوق بیشـتر می‌شود، خصوصیات بیشتری به خود می‌گیرد و تمایز بیشتری از بقیه موجودات می‌یابد؛

د) مادیات در نهایت محدودیت هستند و با بیشترین جوانب و زوایا محاصره شده‌اند.

۵-۲. مبنای معرفت‌شناختی

ذهــن قدرت درک مســتقیم جوهره اشــیا را ندارد و بایــد از طریق ادراک آثــار وخصوصیات آنها به سرمنشأ پی ببرد.

۵-۳. مبنای روش‌شناختی

۱. جوانب و زوایای اشیا، همان متغیرهای اشیا هستند که با کشف آنها، ماهیت اشیا بیشتر شناخته می‌شود و در صورت تغییر آنها، اشیا تغییر خواهند کرد؛

۲. آثار و کارکردهای اشــیا و موضوعات هســتند که سبب رفع نیاز و حل مشکل می‌شوند. ارتباط ما با اشیا و موضوعات، به خاطر استفاده از آثار آنهاست؛

۳. برای درک آثار و کارکردهای اشیا، باید آنها را مشاهده کرد؛

۴. مشاهده‌ای به درک آثار و کارکردهای اشیا منجر می‌شود که جامع باشد نه عادی و خام.

۵. مشاهده در دو سطح باید انجام یابد: سطح کلان و سطح خُرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

۶. فرضیه

مقدمه ۱: اگر مسئله از متغیر تشکیل می‌شود، آن‌گاه شبکه مسائل از شبکه متغیرها تشکیل می‌شود؛
مقدمه ۲. شبکه متغیرها از لایه‌برداری یا تجزیه و تحلیل مفهومی یک موضوع به دست می‌آید؛
نتیجـــه: اگر مسـئله از متغیر تشـکیل می‌شـود آنگاه شبکه مسـائل یک موضوع، از لایه‌برداری یا تجزیه و تحلیل مفهومی آن موضوع به دست می‌آید.
تعبیر دیگری از همین استدلال:
مقدمه ۱. اگر مسـئله تابعی اسـت از متغیر، آن‌گاه شبکه مسـائل یک موضوع، تابعی است از شبکه متغیرهای آن موضوع؛
مقدمه ۲. شبکه متغیرها تابعی است از تجزیه و تحلیل مفهومی یا لایه‌برداری مفهومی آن موضوع؛
نتیجـــه: اگر مسـئله تابعی اسـت از متغیر، آن‌گاه شـبکه مسـائل یـک موضوع، تابعی اسـت از لایه‌برداری یا تجزیه و تحلیل مفهومی آن موضوع.

موضوع ⟵ شبکه متغیرها ⟵ شبکه مسائل

۷. استدلال

استدلال اول

مقدمه ۱. شبکه مسائل، فهرست گسترده‌ای از مسائل مرتبط با یکدیگر است؛
مقدمه ۲: مسائل، پیرامون موضوع قرار دارند؛
نتیجه: شبکه مسائل، فهرست گسترده‌ای از مسائل مرتبط با یکدیگر پیرامون یک موضوع است.

استدلال دوم

مقدمه ۱. شبکه مسائل، فهرست گسترده‌ای از مسائل مرتبط با یکدیگر پیرامون یک موضوع است؛
مقدمه ۲. مسئله از متغیرهای موضوع تشکیل می‌شود؛
توضیح: مسـئله‌پردازی پیرامون یک موضوع، بر اسـاس متغیرهای موضوع محقق می‌شـود؛ چراکه مسـئله از موضوع، محمول و نسـبت پرسشـی تشـکیل می‌شـود و وقتی کـه مسـئله‌ای را پیرامون موضوعـی طرح می‌کنیم، جای موضوع و محمول در سـؤال را با متغیرهای موضوع پر می‌کنیم و به همین صورت در شـبکه مسـائل نیز جای موضوعات و محمولات پرسـش‌ها را با شبکه متغیرهای موضوع پر می‌کنیم؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

نتیجه: شـبکه مسـائل، فهرست گسـترده‌ای از مسـائل مرتبط با یکدیگر پیرامون متغیرهای موضوع است. لذا برای تولید شبکه مسائل، باید متغیرهای موضوع را به دست آورد.

استدلال سوم

مقدمه ۱. شـبکه مسـائل، فهرست گسترده‌ای از مسـائل مرتبط با یکدیگر درباره متغیرهای موضوع است (نتیجه استدلال قبلی)؛

مقدمه ۲. شبکه بودن مسائل تابعی از شبکه بودن متغیرهاست؛

توضیح: شـبکه مسـائل، فهرسـت گسترده‌ای از مسـائل پیرامون موضوع اسـت و از طرفی موضوع از متغیر تشـکیل می‌شـود؛ بنابراین برای تولید شبکه مسائل، نیاز به شـبکه‌ای از متغیرهای موضوع خواهیم داشت؛

نتیجه: شبکه مسائل، فهرست گسترده‌ای از مسائل مرتبط با یکدیگر درباره شبکه متغیرهای موضوع است. پس برای تولید شبکه مسائل، باید شبکه متغیرهای موضوع را به دست آورد.

به تعبیر دیگر:

اگر مسئله از متغیر تشکیل می‌شود و اگر شبکه مسائل مطلوب است، آن‌گاه شبکه متغیرها مطلوب خواهد بود. به تعبیر سوم، اگر مسئله از متغیر تشکیل می‌شود، آن‌گاه شبکه مسائل از شبکه متغیرها تشکیل می‌شود.

استدلال چهارم

مقدمه ۱. شـبکه مسـائل، فهرست گسـترده‌ای از مسـائل مرتبط با یکدیگر درباره شبکه متغیرهای موضوع است (نتیجه استدلال قبلی)؛

مقدمه ۲. شبکه متغیرهای موضوع به وسیله تحلیل مفهومی (لایه‌برداری از) موضوع به دست می‌آید؛

توضیـح: متغیرهـا، ابعـاد و جوانب معنایی و مفهومی موضوع هسـتند که همگی با هم هسـتهٔ اصلـی و میـدان معنایـی موضوع را تشـکیل می‌دهند. این متغیرهـا جز از طریق تجزیـه معنایی و مفهومی موضوع به اجزای معنایی تشکیل‌دهنده آن، به دست نمی‌آیند. از سوی دیگر ترکیب معنایی و مفهومی همین متغیرها با هم، موضوع را تشـکیل می‌دهد. بنابراین باید به دنبال راهی باشـیم تا از آن طریـق بتـوان موضوع را از نظر مفهومی و معنایی، تحلیل و تجزیـه کرد. این تحقیق برای تجزیه معنایـی و مفهومی موضوع، ابزارهایی را به عنوان ابزارهای تحلیل مفهومی یا لایه‌برداری از موضوع ارائه می‌دهد؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

نتیجه: شبکه مسائل از تحلیل مفهومی موضوع به دست می‌آید.

۸. کاربرد و فایده نظریه

کاربرد و فایده نظریه شـبکه مسائل بر اساس اقتضای منطقی و موجه روش‌شناسی، عبارت است از پیمودن گام اول از مسـیر تولید دانش و علم دینی که البته قابل تطبیق بر تمام موضوعات و مسـائل زندگی بشـر به‌ویژه موضوعات و مسـائل علوم انسانی است و از این طریق زمینه لازم را برای تحول در علوم انسانی و حرکت به سمت تولید علوم انسانی اسلامی هموار می‌کند.

مدل تحول در تولید علوم انسانی اسلامی از منظر روش‌شناسی، به صورت ذیل قابل بیان است:

۱. تولید شبکه مسائل در موضوع موردنظر؛

۲. جمع‌آوری شبکه گزاره‌های دین (آیات و روایات) در موضوع موردنظر؛

۳. تحلیل شبکه گزاره‌های دینی و مدل‌سازی از آنها؛

خروجی: تولید شبکه گزاره‌های دینی (دانش دینی) در موضوع مورد نظر (پاسخ به شبکه مسائل موضوع از منظر دین با روش‌شناسی موجه).

این تحقیق، درصدد تبیین گام اول از مدل فوق اسـت. بنابراین می‌توان گفت: «طراحی شـبکه مسائل علوم انسانی، گام اول در مدل تحول و تولید علوم انسانی اسلامی است».

۹. نظام گزاره‌های نظریه شبکه مسائل

۱. مسئله تابعی است از متغیرها؛

۲. شبکه مسائل تابعی است از شبکه متغیرها؛

۳. شبکه متغیرها تابعی است از تحلیل مفهومی موضوع؛

۴. تحلیـل مفهومی موضوع و متغیرهای آن، به وسـیله ابزارهای تحلیل مفهومی (لایه‌برداری) به دست می‌آید؛

۵. ابزارهای تحلیل مفهومی، همان ابزارهای چهارده‌گانه متغیرشناسـی هسـتند که در قسمت مفاهیم و اصطلاحات، از آنها نام برده شد؛

۶. متغیرها، ابعاد، زوایا و جوانب معنایی و مفهومی موضوعات را تشکیل می‌دهند؛

۷. متغیرها، هسـته معنایی و مفهومی موضوع را تشـکیل می‌دهند و در میدان معنایی موضوع قرار می‌گیرند؛

۸. متغیرها، خروجی عملیات تحلیل مفهومی موضوع هستند؛

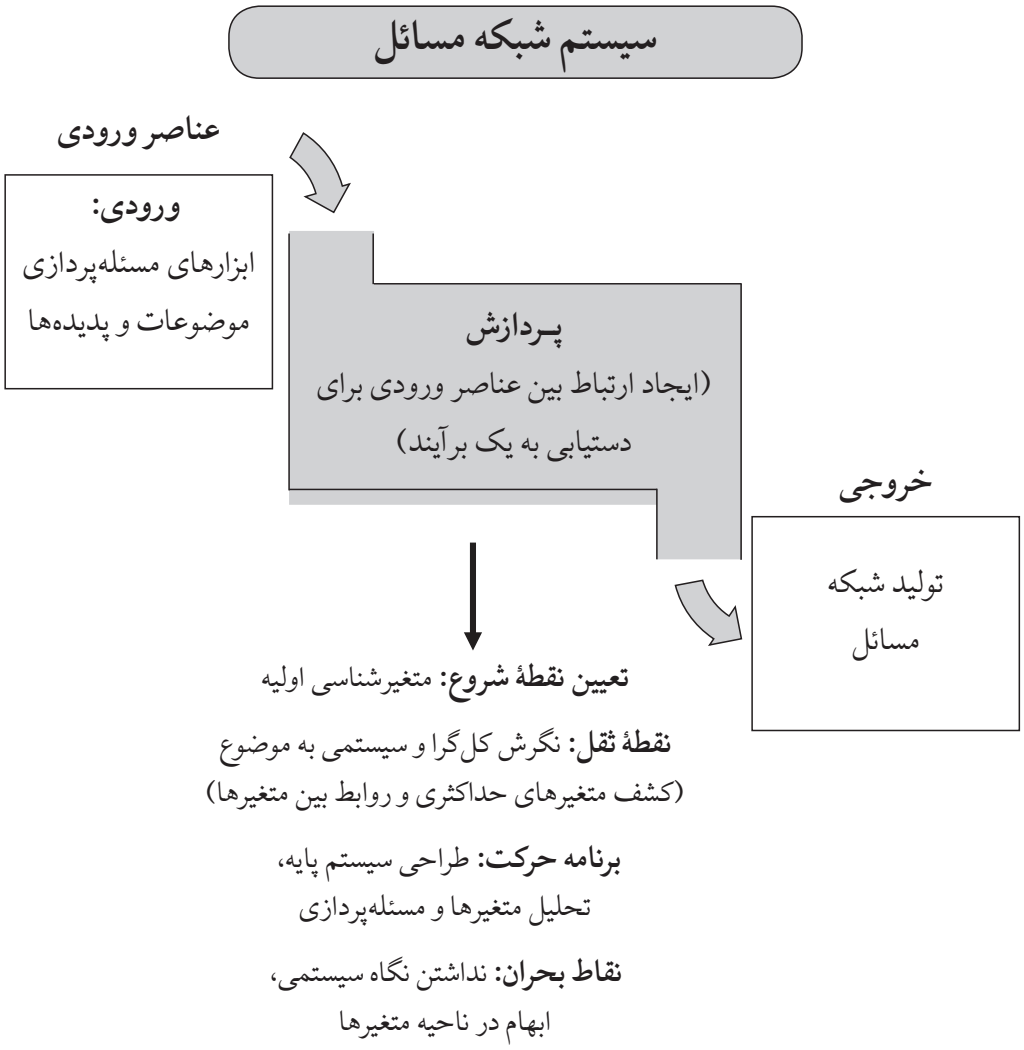
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

۹. شبکه مسائل، گام اول از تولید علم و دانش جدید در موضوعات مختلف است و به همین صورت گام اول از تولید علم و دانش جدید دینی در موضوعات مختلف به‌ویژه موضوعات و مسائل علوم انسانی می‌باشد؛

۱۰. شبکه مسائل، فهرست گسترده‌ای از مسائل مرتبط با یکدیگر پیرامون شبکه متغیرهای موضوع است؛

۱۱. «نظریه شبکه مسائل» در کنار دو نظریه «فحص جامع» و «اجتهاد سیستمی»، مدل تحول در علم دینی (به‌ویژه علوم انسانی اسلامی) را از منظر روش‌شناسی تشکیل می‌دهند.

۱۰. مدل معرفتی نظریه شبکه مسائل



[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

۱۱. مدل عملیاتی نظریه شبکه مسائل

الگوریتم (مراحل قدم به قدم) طراحی شبکه مسائل به‌صورت ذیل پیشنهاد می‌گردد:

مراحل کلی	مرحله زیرمجموعه	روش	خروجی	سؤالات مربوطه
۱. طراحی شبکه مسائل با استفاده از تفکر فردی و گروهی	۱. تعریف موضوع	با استفاده از تجربه فردی و گروهی	کشف مفاهیم (متغیرهای) اولیه و حداقلی موضوع	۱. چه نیازی سبب پیدایش موضوع شده است؟
				۲. این موضوع چه تعریف اولیه و حداقلی‌ای دارد؟
				۳. مفاهیم اولیه و حداقلی در تعریف این موضوع چیست؟
	۲. تحلیل مفاهیم موجود در تعریف	تطبیق ابزارهای چهارده‌گانه بر مفاهیم	شبکه مفاهیم و پرسش‌های مرتبط با مفاهیم اولیه موضوع	۴. مفاهیمی که از تطبیق ابزارهای چهارده‌گانه بر موضوع به دست می‌آیند، کدام‌اند؟
				۵. سؤالاتی که از تطبیق ابزارهای چهارده‌گانه به دست می‌آیند، کدام‌اند؟
۲. ویرایش اول سؤالات با مراجعه به منابع تخصصی	-------- ---	با استفاده از تحلیل کمّی (فراوانی یک مفهوم) و کیفی (ابزارهای چهارده‌گانه)	کشف مفاهیم و سؤالات مرتبط با موضوع از منابع تخصصی	۶. تعریف این موضوع در منابع تخصصی چیست؟
				۷. مفاهیم حداقلی موجود در تعاریف (جنس و فصل) مرتبط با موضوع کدام‌اند؟
				۸. مفاهیمی که از توصیف موضوع در منابع به دست می‌آیند کدام‌اند؟
				۹. وزن مفاهیم مرتبط و رابطه بین آنها براساس حدس اولیه چیست؟
				۱۰. پرسش‌هایی که بر اساس مفاهیم جدید و تحلیل آنها به دست می‌آیند، کدام‌اند؟

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

۳. ویرایش دوم سؤالات بر اساس تحلیل سیستمی موضوع	۱. پردازش سیستم پایه به عنوان فرضیه اولیه (تأسیس اصل بر اساس تجربه قطعی)	منطق سیستم‌ها	کشف جایگاه، رابطه و وزن مفاهیم مرتبط با موضوع	۱۱. نحوه ارتباط بین مفاهیم کشف‌شده برای ایجاد فرایند و سیستم پایه چیست؟
				۱۲. حداقل مرز و محیط لازم برای شکل‌گیری فرایند و سیستم پایه کدام است؟
				۱۳. حداقل بازخورد لازم برای از بین بردن حداقل بحران در فرایند و سیستم پایه چیست؟
	۲. تحلیل مفاهیم موجود در سیستم پایه	ابزارهای چهارده‌گانه	شبکه مفاهیم موضوع	۱۴. شبکه مفاهیم جدید موضوع کدام‌اند؟
	۳. طراحی سؤال پیرامون مفاهیم به‌دست‌آمده از مرحله قبل	ابزارهای چهارده‌گانه	تکمیل شبکه پرسش‌ها	۱۵. مسائل به‌دست‌آمده از مفاهیم جدید موضوع کدام‌اند؟

توضیح الگوریتم

در گام اول بر اساس تجربه فردی و گروهی (بارش فکری گروهی)، تعریف اولیه و حداقلی موضوع را که قدر متیقن به نظر می‌رسد، ثبت می‌کنیم. این تعریف مشتمل بر مفاهیمی اولیه و حداقلی است. سپس مفاهیم اولیه و حداقلی تعریف را با ابزارهای چهارده‌گانه (ابزارهای تحلیل مفهومی) تحلیل می‌کنیم تا به شبکه‌ای از مفاهیم و پرسش‌های مرتبط با موضوع برسیم.

در گام دوم، بر اساس تعاریف، توصیفات، چارچوب مفهومی و تحلیل‌های کمّی و کیفی که منابع تخصصی از موضوع موردنظر ترسیم کرده‌اند، به شبکه‌ای از مفاهیم و پرسش‌های مرتبط با موضوع دست پیدا می‌کنیم. بر اساس این مفاهیم و پرسش‌ها، می‌توان شبکه مفاهیم و پرسش‌های به‌دست‌آمده از گام اول را ویرایش کرد. چه‌بسا ممکن است برخی مفاهیم و پرسش‌های مرتبط با موضوع در گام اول به دست نیامده باشد و یا تصویر صحیحی از مفاهیم و تحلیل آنها نداشته باشیم که در این گام تکمیل و ویرایش می‌شود.

در گام سوم با تحلیل سیستمی موضوع، جایگاه، وزن و رابطه بین مفاهیم و متغیرهای موضوع

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

را تعییـن می‌کنیم. گفتنی اسـت که در این مرحله، به حداقل مفاهیم و متغیرها در طراحی سیسـتم موضوع بسـنده می‌شود و از همین جهت به این سیستم، سیستم پایه موضوع می‌گویند. سیستم پایه عبارت است از حداقل متغیرها و روابط و وزن آنها برای شکل‌گیری موضوع؛ به تعبیر دیگر حداقل لازم برای ورودی، هدف، پردازش (نقطه شـروع، نقطه ثقل، برنامه حرکت، نقاط بحران)، محیط و مرز سیسـتم، و بازخورد سیسـتم؛ بنابراین در تحلیل سیسـتمی موضوع در قالب سیستم پایه، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. تعیین ورودی سیستم؛

۲. تعیین هدف و خروجی سیستم؛

۳. تعیین پردازش سیستم؛

الف) تعیین نقطه شروع سیستم؛

ب) تعیین نقطه ثقل و مرکزی سیستم؛

ج) تعیین برنامه حرکت سیستم؛

د)تعیین نقاط بحران سیستم؛

۴. تعیین محیط و مرز سیستم؛

۵. تعیین بازخورد سیستم.

سـپس با تحلیل مفاهیم و متغیرهای موجود در سیستم پایه، به شبکه‌ای از مفاهیم و پرسش‌های مرتبـط با موضوع دسـت می‌یابیم. در اینجا می‌توان بر اسـاس مفاهیم و پرسـش‌های این مرحله، شـبکه مفاهیم و پرسـش‌های به‌دسـت‌آمده از گام دوم را برای بار دوم ویرایش کرد. چه‌بسـا مفاهیم و پرسـش‌هایی که مرتبط با موضوع هسـتند، اما به دلیل نبود نگاه نظام‌واره و سیسـتمی به موضوع، به دسـت نیامده باشند. نگاه نظام‌واره و سیسـتمی به موضوع کمک می‌کند تا مفاهیم و پرسش‌های مرتبط با موضوع را به صورت روشـمند کشـف کنیم و از این طریق به سـمت کشف جامع متغیرها و پرسـش‌های موضوع حرکت کنیم و تا جایی که ممکن اسـت میدان معنایـی و محدوده مفهومی موضوع را گسترش دهیم.

گفتنی است که طراحی شبکه مسائل، گام اول از پژوهش برای تولید علم دینی است. بر اساس منطـق پژوهـش، دو گام دیگـر نیز وجود دارد: جمـع‌آوری اطلاعات (رجوع به آیـات و روایات) و تحلیـل اطلاعـات (ادله). ازآنجاکـه بین گام‌های پژوهش، رفت و برگشـت وجـود دارد و این کار موجب رفع نقص از هر مرحله و تکمیل عملیات پژوهشی می‌گردد، بنابراین چنانچه در این دو گام نیز با مفاهیم و متغیرهای جدیدی در ارتباط با موضوع دسـت یابیم، باید مجدداً به وسـیله ابزارهای

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

چهارده‌گانه از مفاهیم به‌دست‌آمده لایه‌برداری کنیم؛ جایگاه آن را در سیستم پایه کشف کنیم و پرسش‌های متناظر با آن را به شبکه مسائل بیفزاییم.

الگوریتم طراحی شبکه مسائل را به‌صورت مختصر می‌توان در سه مرحله خلاصه کرد:

گام اول: تعریف اولیه موضوع (موضوع‌شناسی)؛

گام دوم: تحلیل موضوع با ابزارهای چهارده‌گانه برای کشف شبکه مفاهیم و متغیرهای موضوع (متغیرشناسی)؛

گام سوم: تبدیل متغیرها و مفاهیم موضوع به شبکه پرسش‌های موضوع (سؤال‌پردازی).

۱۲. خروجی‌ها و محصولات نظریه

پروژه حاضر بر اساس نظریه شبکه مسائل، تا کنون در سه موضوع از موضوعات تمدنی تعریف شده و به‌سرانجام رسیده است: **شبکه مسائل حجاب، شبکه مسائل تأمین اجتماعی و رفاه**، شبکه مسائل نظام خانواده.

پروژه شبکه مسائل می‌تواند در تمام موضوعات و شاخه‌های علوم انسانی تعریف و انجام شود که در بخش مسائل و پروژه‌های پیشنهادی مقاله به آن اشاره خواهد شد.

۱۳. نوآوری

آنچه نوآوری این تحقیق به شمار می‌آید، عبارت است از ارائه گام اول از مدل تولید دانش و علم دینی از منظر روش‌شناسی با عنوان «شبکه مسائل» در قالب «نظریه، مدل معرفتی و مدل عملیاتی» برای تولید شبکه مسائل در موضوعات مختلف زندگی بشر به‌ویژه علوم انسانی. بدین وسیله گام اول از تحول در علوم انسانی و حرکت به سمت تولید دانش‌ها و علوم انسانی اسلامی برداشته خواهد شد.

۱۴. نتایج

الف) طراحی شبکه مسائل، گام اول از تولید یک دانش دینی از منظر روش‌شناسی است و از همین جهت، گام اول از تحول در علوم انسانی و حرکت به سمت تولید علوم انسانی اسلامی به شمار می‌آید؛

ب) بدون طراحی شبکه مسائل، مسائل علوم به صورت روشمند احصا نمی‌شوند و در نتیجه اطمینانی نسبت به جامعیت کشف مسائل حاصل نمی‌گردد؛

ج) بدون طراحی شبکه مسائل در فرایند پژوهش، زمینه لازم برای تولید دانش دینی امکان‌پذیر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

نمی‌شود؛ بلکه در نهایت گزاره‌هایی محدود در ارتباط با موضوع و مسئله پژوهش تولید خواهد شد؛

د) نظریه شبکه مسائل، در کنار نظریه «فحص جامع» و «اجتهاد سیستمی»، اضلاع مثلث تحول در علوم انسانی از منظر روش‌شناسی است و این سه ضلع در کنار یکدیگر، مدل تحول در علوم به‌ویژه در علوم انسانی و حرکت به سمت تولید دانش و علم دینی در موضوعات و مسائل علوم انسانی را هموار می‌کنند.

۱۵. توصیه‌ها

با توجه به نقش و جایگاه شبکه مسائل در فرایند تولید دانش به‌ویژه تولید دانش دینی در حوزه علوم انسانی، ضرورت دارد در مهندسی کلان دانش در کشور، تعریف پروژه‌های شبکه مسائل در فرایند تولید دانش اهمیت ویژه یابد و کارگروه‌های تحول در علوم انسانی، توجه ویژه‌ای را به تولید شبکه مسائل علوم انسانی در فرایند تولید دانش‌های انسانی اسلامی داشته باشند. بدیهی است که بر اساس نظریه شبکه مسائل و دو نظریه دیگری که اضلاع مثلث تولید دانش دینی هستند، می‌توان امید داشت که فرایند تولید دانش‌های انسانی اسلامی جای‌گزین فرایند اسلامی‌سازی دانش‌های انسانی موجود شود و بدین‌ترتیب در حوزه علوم انسانی، شاهد تولید علوم و دانش‌های انسانی اسلامی باشیم.

۱۶. مسائل و پروژه‌های پیشنهادی

۱. توصیف، تبیین و توجیه «نظریه فحص جامع» به هدف ارائه مدلی برای جست‌وجوی روشمند و جامع در متن دین، به گونه‌ای که جامعیت کشف گزاره‌های دینی در فرایند تولید دانش دینی را به صورت شاخص‌مند تضمین نماید؛

۲. توصیف، تبیین و توجیه «نظریه اجتهاد سیستمی» به هدف ارائه مدلی برای تحلیل روشمند و موجه متن دین به گونه‌ای که استخراج ساختارها، مدل‌ها، فرایندها و راهبردهای مورد نیاز در موضوعات علوم انسانی را از متن دین امکان‌پذیر کند و در عمل به تولید دانش‌های مورد نیاز در موضوعات اجتماعی و انسانی بینجامد؛

۳. بر اساس نظریه شبکه مسائل، پیشنهاد می‌شود که در شاخه‌های مختلف علوم انسانی، پروژه‌های شبکه مسائل به قرار ذیل تعریف شود:

۱. شبکه مسائل انسان‌شناسی،

۲. شبکه مسائل معرفت‌شناسی و ذهن‌شناسی،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

۳. شبکه مسائل روان‌شناسی،
۴. شبکه مسائل زبان و ادبیات،
۵. شبکه مسائل جامعه‌شناسی،
۶. شبکه مسائل علوم تربیتی،
۷. شبکه مسائل اخلاق حرفه‌ای،
۸. شبکه مسائل حقوق،
۹. شبکه مسائل اقتصاد،
۱۰. شبکه مسائل مدیریت،
۱۱. شبکه مسائل سیاست (علوم سیاسی)،
۱۲. شبکه مسائل تاریخ و باستان‌شناسی،
۱۳. شبکه مسائل آینده‌پژوهی،
۱۴. شبکه مسائل روابط بین‌الملل،
۱۵. شبکه مسائل فرهنگ و تمدن،
۱۶. شبکه مسائل توسعه،
۱۷. شبکه مسائل هنر،
۱۸. شبکه مسائل دین و الهیات،
۱۹. شبکه مسائل عرفان،
۲۰. شبکه مسائل فلسفه.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]

کتابنامه

۱. پرچم، اعظم، و ابوترابیان، مستانه (۱۳۹۱). توسعه معنایی دعا در قرآن، **فصلنامه آموزه‌های قرآنی**. ۱۵:ص ۷۲-۴۷.

۲. حریری، رضا (۱۳۹۴). **نگرشی دیگر به علم دینی**. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

۳. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). الگوی حکمی اجتهادی برای تولید علم دینی، **فصلنامه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام**. ۹:ص ۳۶.

۴. کاظمی‌مقدم، ایمان (۱۳۹۲). طراحی مدل راهبردی و راهکاری شبکه مسائل علوم انسانی، **فصلنامه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام**. ۹: ص ۳۵-۲۵.

۵. کاظمی‌مقدم، ایمان (۱۳۹۵). **شبکه مسائل حجاب و عفاف**. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

۶. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱). **نگرش سیستمی به دین**. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. چاپ سوم.

۷. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۴). **راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام به علم و هستی**. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. چاپ سوم.

۸. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۵). «نقشه علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی»، «تحلیل مفهوم علم دینی»، «تحلیل مفهوم شبکه موضوعات و مسائل»، قابل دسترسی در: www.Isin.ir.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.1.6.3]